



دکتر طاهره رحیم‌پور ازغدی
دکتری تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

(پرتو)

در متون دینی فال گرفتن، جزو خرافات است

پیش‌گویی اخبار آینده در گذشته دور از سوی کاهنان، جادوگران و حتی پیامبران انجام می‌گرفت و بین پادشاهان و مردم عادی امری رایج بود. فال‌گیرها را می‌توان به حرفه‌ای (مزدبگیر) و غیر حرفه‌ای تقسیم کرد و فال‌گیری ممکن است با ابزارهای مختلف یا بدون ابزار انجام شود.

به نظر می‌رسد چون انسان‌ها دوست دارند از آینده خود مطلع شوند، این حرفه همواره مورد توجه همه طبقات اجتماعی بوده است زیرا خبری از آینده با نوعی هیجان و لذت همراه است. مشتریان فال‌ها گاهی با انگیزه تفریح و بیشتر با هدف حل مشکلات خود به فال‌گیری روی می‌آورند. به این ترتیب، درباره موضوعات متفاوتی فال گرفته می‌شود.

از منظر اسلام تفأل به خیر و نیکی درست است چون وقتی انسان تفأل به خوبی می‌زند اثر روانی چشمگیری در او به وجود می‌آید و او را به آینده‌ای روشن و خیر امیدوار می‌سازد. بنابراین اراده او را برای ادامه کارها تقویت می‌کند، و به او شجاعت و استقامت می‌بخشد و این اثر روانی انکارناپذیر نیست و سبب پیشرفت و پیروزی می‌شود (بحار الانوار، ج. ۷۴، ص. ۱۶۵).

در متون دینی فال بد زدن جزو خرافات است و با توحید منافات دارد. حضرت علی^(ع) فرمود: فال بد حق نیست و جزو خرافات است (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰).

از پیامبر^(ص) نقل شده است: کسی که اراده سفری کند و از منزل به سوی مقصد حرکت کند ولی پرنده‌ای را ببیند و به فال بد بگیرد و به خانه برگردد، به آنچه بر محمد نازل شده کافر گردیده است زیرا پرنده‌ای را در سرنوشت خود مؤثر دانسته به گونه‌ای که او را از حرکت به سوی مقصد باز داشته است (کنز العمال، ج. ۱۰، ص. ۱۱۴).

فال‌بینی در دوران معاصر هم به عنوان یکی از علایق مردم مطرح است چنان‌که پیش‌بینی اخبار آینده از طریق فال‌گیری به عنوان یک رخداد اجتماعی و فرهنگی در جوامع مختلف، بین اقشار مختلف مردم حتی دانشگاهیان و تحصیل‌کردگان طرف‌دارانی دارد. مشاهدات عینی حاکی از آن است که طالع‌بینی در همه سطوح زندگی انسان مدرن نفوذ کرده است چنان‌که فال‌گیران گاهی به عنوان مشاور هم در اختلافات خانوادگی نقش ایفا می‌کنند و افراد به جای حل مسائل خود بر اساس عقل و منطق، به فال قهوه و کف‌بینی متوسل می‌شوند. در ادامه راه نیز با تکیه بر همان پیش‌گویی‌ها، زندگی زنانشویی و روابط اجتماعی خود را کنترل می‌کنند.

با توجه به این نکته که در دنیای مدرن، واقعیت گونه‌های متعددی پیدا می‌کند، به طوری که تشخیص اصل از غیر آن بسیار سخت است، گفتمان علمی در مقابله با پدیده فال‌گیری آن را یک امر غیر واقعی و خرافی می‌داند که ابتدا باید سرکوب شود، سپس با ترویج علم و دانش، زمینه گرایش به آن از بین برود.

گفتمان رسمی مدعی است افراد درگیر فال‌آدم‌های ساده‌اندیش و بدون اعتماد به نفسی هستند که برای رسیدن به خواسته‌هایشان احساس ناتوانی می‌کنند و به فال روی می‌آورند.

در نتیجه، می‌توان گفت که فال‌گیری نوعی کنش اجتماعی و عاطفی با کارکردهای خاص خود است که در آن، مشتری در مقابل پولی که پرداخت می‌کند از اخبار آینده‌اش مطلع می‌شود. این رفتار با هیجان و احساس شادی و غم در وی همراه است. از این رو، مبنای فال‌گیری را باید در کارکردها و منطق فرهنگی و اجتماعی این رفتار جست‌وجو کرد (فاضلی، مدرن یا امروزی شدن فرهنگ ایران، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۵). اکنون این سؤال مطرح است که فال‌گیری به کدام نیازهای اجتماعی بشر امروز پاسخ می‌دهد.



عکس تزئینی است



عکس تزئینی است

شهربانو

۲۳ خرداد ۱۴۰۱
۱۳ دی‌ماه ۱۴۴۳ شماره ۲۴۸۷

(۲)



شبنم کرمی
روزنامه‌نگار

(آفاق)

خرافه و گزافه روی دیگر سکه آگاهی و مشارکت اجتماعی

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، روند گرایش به خرافات و عرفان‌های کاذب یا شیوه‌های نوینی چون انرژی درمانی و فنگشویی رو به فزونی نهاده است و درباره افرادی مانند نظرکرده‌های جعلی، دعانویسان، رمالان کلاه‌بردار، احضارکنندگان روح و نایب‌های خودخوانده در فضای واقعی و مجازی بسیار می‌خوانیم و می‌شنویم. هرچند فرهنگ و باورهای مردم در بیشتر جوامع از حکایات و افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تاریخ شفاهی، فکاهیات و هجونامه‌ها، موسیقی و آواهای محلی و لطایف بومی تأثیر می‌پذیرد، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم در هر زمان می‌تواند از تلفیق این پیش‌فرض‌های فرهنگی با خرافه، به درک نادرستی از روابط آن‌ها با عوامل نامعقول ماوراءالطبیعه منتهی شود که بیشتر اوقات ریشه تاریخی نیز دارد. رمالی، دعانویسی و طلسم مربوط به امروز و دیروز نیست. هرچند راهبران خرافه در میان مردم در ادوار مختلف بیشتر به صورت زیرزمینی فعالیت کرده‌اند، با به‌روز شدن مسیرهای ارتباط اجتماعی و فراگیر شدن اینترنت، ردپای رمالان و طلسم‌نویسان را در سایت‌های رسمی و ثبت‌شده معاملات و کاسی هم می‌توانیم ببینیم، به گونه‌ای که به‌تازگی این نوع فعالیت‌ها از سایت‌های غیررسمی، وبلاگ‌ها و حتی کانال‌های رسمی فضای مجازی سر برآورده‌اند و اگر تا چند سال پیش برای پیدا کردن آن‌ها باید از دوستان و آشنایان پرس‌وجومی کردیم، اکنون بایک جست‌وجوی ساده در اینترنت، نشانی و آمارشان به راحتی در دسترس است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند در دوره قاجار گرایش به خرافات بسیار گسترده و عمومی بوده است و با اینکه مردها هم به این موضوع تمایل نشان می‌داده‌اند، بیشتر عملی زنانه تعریف می‌شد. البته این دریافت را می‌توان در نتیجه چیرگی فکر و فرهنگی دانست که زن را ذاتاً ناقص و ضعیف تلقی می‌کرد. پیامد این تفکر نیز «زن‌هراسی» بود که به محرومیت زنان از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی و مدنی‌شان همچون محرومیت از حق رأی در قانون انتخابات مجلس مشروطه انجامید. (سحر

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، روند گرایش به خرافات و عرفان‌های کاذب یا شیوه‌های نوینی چون انرژی درمانی و فنگشویی رو به فزونی نهاده است و درباره افرادی مانند نظرکرده‌های جعلی، دعانویسان، رمالان کلاه‌بردار، احضارکنندگان روح و نایب‌های خودخوانده در فضای واقعی و مجازی بسیار می‌خوانیم و می‌شنویم. هرچند فرهنگ و باورهای مردم در بیشتر جوامع از حکایات و افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، تاریخ شفاهی، فکاهیات و هجونامه‌ها، موسیقی و آواهای محلی و لطایف بومی تأثیر می‌پذیرد، شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم در هر زمان می‌تواند از تلفیق این پیش‌فرض‌های فرهنگی با خرافه، به درک نادرستی از روابط آن‌ها با عوامل نامعقول ماوراءالطبیعه منتهی شود که بیشتر اوقات ریشه تاریخی نیز دارد. رمالی، دعانویسی و طلسم مربوط به امروز و دیروز نیست. هرچند راهبران خرافه در میان مردم در ادوار مختلف بیشتر به صورت زیرزمینی فعالیت کرده‌اند، با به‌روز شدن مسیرهای ارتباط اجتماعی و فراگیر شدن اینترنت، ردپای رمالان و طلسم‌نویسان را در سایت‌های رسمی و ثبت‌شده معاملات و کاسی هم می‌توانیم ببینیم، به گونه‌ای که به‌تازگی این نوع فعالیت‌ها از سایت‌های غیررسمی، وبلاگ‌ها و حتی کانال‌های رسمی فضای مجازی سر برآورده‌اند و اگر تا چند سال پیش برای پیدا کردن آن‌ها باید از دوستان و آشنایان پرس‌وجومی کردیم، اکنون بایک جست‌وجوی ساده در اینترنت، نشانی و آمارشان به راحتی در دسترس است.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند در دوره قاجار گرایش به خرافات بسیار گسترده و عمومی بوده است و با اینکه مردها هم به این موضوع تمایل نشان می‌داده‌اند، بیشتر عملی زنانه تعریف می‌شد. البته این دریافت را می‌توان در نتیجه چیرگی فکر و فرهنگی دانست که زن را ذاتاً ناقص و ضعیف تلقی می‌کرد. پیامد این تفکر نیز «زن‌هراسی» بود که به محرومیت زنان از بدیهی‌ترین حقوق اجتماعی و مدنی‌شان همچون محرومیت از حق رأی در قانون انتخابات مجلس مشروطه انجامید. (سحر